

تاریخ گسترش مسیحیت در جهان

محمد کاشانی^۱

چکیده

مسیحیت که در سیصد سال نخست تاریخ خود دین اقلیت بود، در قرن چهارم تبدیل به دین رسمی امپراتوری روم شد و این سرآغاز گسترش مسیحیت در مناطق مختلف بود. امپراتوران مسیحی بت پرستان رومی را وادار به پذیرش مسیحیت کردند و در نتیجه این دین در امپراتوری پهناور روم گسترش یافت. ارمنستان و گرجستان نیز در قرن چهارم بر اثر مسیحی شدن پادشاهانشان مسیحیت را پذیرفتند. سایر کشورهای اروپایی در طول قرون وسطا مسیحی شدند؛ انگلستان در سال ۵۹۷، بلغارستان در سال ۸۶۵، ساکسون‌های آلمان در سال‌های ۷۴۸-۸۱۴، میلادی دانمارک در سال ۹۵۸، روسیه در سال ۹۸۷، ایسلند در سال ۱۰۰۰، شرق آلمان در سال ۱۲۲۲، کشورهای اسکاندیناوی بین سال‌های ۱۱۵۰ تا ۱۲۹۵ و در نهایت لیتوانی در قرن چهاردهم و پانزدهم به عنوان آخرین کشور اروپایی مسیحی شدند. اما گسترش مسیحیت همواره بر اساس میل مردم به پذیرش مسیحیت نبود و در بسیاری از مواقع، شاهان و شوالیه‌های صلیبی از طریق اعدام و کشتار نقش تعیین کننده‌ای در گسترش مسیحیت در اروپا داشتند. در قرن شانزدهم، استعمار اروپایی‌ها در قاره آمریکا و آفریقا آغاز شد و سیاست‌های استعماری، برده‌داری و اجبار تأثیر زیاد در رواج مسیحیت در میان ساکنان آمریکا و بردگان آفریقایی داشت. بخش زیادی از قاره آفریقا نیز در قرن‌های نوزدهم و بیستم، بر اثر آموزش و خدمات بهداشتی مسیحی شدند.

کلیدواژه‌ها: گسترش مسیحیت، مسیحی سازی، تغییر دین اجباری، تبشیر.

۱. مدیر گروه مسیحیت موسسه آموزش عالی خاتم النبیین (ع).


یکی از سؤالاتی که زیاد پرسیده می‌شود این است که ساکنان بت‌پرست کشورهاییکه اکنون مسیحی‌نشین هستند چگونه متقاعد شدند دین آبا و اجدادی خود را رها کنند و به یک آیین جدید ایمان بیاورند. چه شیوه‌هایی برای مسیحی کردن مردم جهان مورد استفاده قرار گرفت؟ اجبار و شمشیر چقدر در مسیحی شدن ملت‌های جهان نقش داشته است؟ چه افرادی در این تغییر دین نقش مؤثری داشتند؟ آیا الهی‌دانان مسیحی استفاده از اجبار برای تبدیل دین دیگران را مشروع می‌دانند و به آن توصیه می‌کنند؟ این‌ها سؤالاتی هستند که همواره دربارهٔ چگونگی گسترش مسیحیت در جهان پرسیده می‌شود. در این تحقیق درصدد هستیم که با شیوه‌های گسترش مسیحیت در جهان آشنا شویم.

ملاک بررسی در این تحقیق، آغاز رواج مسیحیت در یک منطقه است؛ یعنی این پرسش مد نظر است که در هنگام اولین تغییر دین عمومی در یک منطقه یا کشور، اجبار بیشترین نقش را داشته است یا تبشیر؛ زیرا چه بسا عموم مردم یک منطقه برای اولین بار با اجبار مسیحی شده باشند ولی بخشی دیگر بعدها با تبشیر مسیحیت را پذیرفته باشند.

گسترش مسیحیت در عصر مسیح و رسولان

مسیحیت با تولد عیسی مسیح در منطقه فلسطین متولد شد. طبق آن‌چه در کتاب مقدس آمده است، در پایان تبلیغ سه‌ساله عیسی مسیح و پس از مصلوب شدن وی، تعداد شاگردان او ۱۲۰ نفر بودند؛^۱ اما بعد از عروج عیسی مسیح به آسمان و پس از سخنرانی پطرس، بیش از ۳۰۰۰ نفر به مسیح‌ایمان آوردند.^۲ بعد از ظهور معجزاتی از پطرس و سایر حواریون، همه به آنان احترام می‌گذاشتند تا آن‌جا که حتی بیمارانش را به میدان شهر می‌آوردند تا سایه پطرس در هنگام عبور بر آنان بیفتد و در نتیجه، شمار بیشتری از مردان و زنان ایمان آوردند.^۳ با فعالیت‌های تبلیغی فیلیپس در سامره تمامی مردم شهر مسیحی شدند^۴ و حتی در اثر فعالیت‌های تبلیغی حواریون جمعی از بت‌پرستان نیز تعمیم گرفتند.^۵ پس از عهد رسولان نیز فعالیت‌های تبلیغی مسیحیان

۱. اعمال رسولان ۱: ۱۵.
۲. همان، ۲: ۴۱.
۳. همان، ۵: ۱۲-۱۵.
۴. همان، ۸: ۱۳.
۵. همان، ۱۰: ۴۵-۴۸.

ادامه یافت؛ اما مسیحیان تا سیصد سال در اقلیت بودند و در گوشه شهرها و روستاها به مناسک عبادی خود مشغول بودند. سرآغاز گسترش مسیحیت در مقیاس بزرگ را باید در قرن چهارم میلادی و در تغییر دین امپراتوران روم جست‌وجو کرد.

قاره اروپا

امپراتوری روم (جنوب اروپا، شمال افریقا، آسیای صغیر و شامات)

امپراتوری بزرگ روم شامل کشورهای پرتغال، اسپانیا، فرانسه، سوئیس، لیختن اشتاین، اتریش، ایتالیا، اسلونی، کرواسی، بوسنی هرزگوین، صربستان، مونته نگرو، آلبانی، مقدونیه، مجارستان، رومانی، یونان، قبرس و بخش‌هایی از ترکیه، سوریه، اردن، مصر، لیبی، تونس، الجزایر و مراکش می‌شد.

در سال ۳۱۳ کنستانتین امپراتور روم مسیحیت را دین رسمی روم اعلام نمود. کنستانتین موفقیت‌هایش را مدیون فورتونا، الهه اقبال، می‌دانست؛^۱ اما مادرش، که نفوذ بسیاری بر او داشت، مسیحی معتقدی بود، از سوی دیگر، کنستانتین نیز می‌خواست روم را از یک مملکت چندآیینی و متشنج به حکومتی تک‌آیین تبدیل کند تا اداره امور کشور آسان شود؛ به همین دلیل، به مسیحیت رسمیت بخشید. وی



در نامه‌ای به الکساندر و آریوس می‌نویسد:

من فرض را بر آن گذاشته بودم که اندیشه‌هایی را که همه مردم از خدایان دارند، به یک شکل واحد بازگردانم؛ زیرا حس می‌کردم اگر بتوانم مردم را

۱. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۳، ص ۷۶۵.

متقاعد سازم که در این باره متحد شوند، اداره امور عامه به طور قابل ملاحظه‌ای آسان خواهد شد.^۱

جوان اُ. گریدی هنگام بحث درباره نقش کنستانتین در ریاست شورای جهانی اسقف‌ها، می‌نویسد:

«کنستانتین می‌خواست نشان دهد که به مقتضای مقام امپراتوری‌اش، مافوق امور کلیساست و امید داشت که بدین وسیله کلیسا را به شکل ابزاری برای استحکام قدرت مطلق امپراتور درآورد».^۲

کنستانتین با صدور «اعلامیه میلان» در سال ۳۱۳ میلادی، آزادی مسیحیان را اعلام کرد و ردای ارغوانی کاخ را بر تن پاپ پوشاند. سران مسیحی که زمانی از ترس حکومت‌ها، محنت آوارگی را تحمل می‌کردند، در سایه حمایت امپراتوران رم صاحب اقتدار شدند و پاپ خود را نماینده تام‌الاختیار خداوند یعنی عیسی مسیح دانست.^۳ کنستانتین دستور غارت و تخریب معابد سایر ادیان را داد.^۴ پس از کنستانتین، پسرش، کنستانتین دوم نیز دستور بسته‌شدن معابد دیگر ادیان و ممنوع شدن برگزاری عبادت و قربانی در معابد را صادر کرد.^۵ او برای کسانی که برای بت‌ها قربانی کنند یا ناظر انجام مراسم قربانی برای بت‌ها باشند و یا بت را عبادت کنند مجازات اعدام مقرر نمود.^۶ معابد بسته شدند اما با وجود این فشارها بت‌پرستی همچنان در روم محبوب بود و توسط مقامات محلی و برخی از فرماندهان حمایت می‌شد. پس از مرگ کنستانتین دوم، یعنی از سال ۳۶۱ تا ۳۷۵ میلادی، دیگر ادیان کمی آزادی یافتند؛ اما در زمان حکومت تئودسیوس (۳۸۱-۳۹۵م) مجدداً تلاش گسترده‌ای جهت اجبار مردم به پذیرش مسیحیت در سرتاسر امپراتوری روم صورت گرفت. وی در سال ۳۹۲ میلادی، با صدور فرمانی، مسیحیت را یگانه دین رسمی امپراتوری روم و عبادت بر اساس دیگر ادیان را ممنوع اعلام کرد. وی به‌شدت تحت تأثیر اندیشه‌های گراتیان برای ترویج مسیحیت بود. پس از وفات گراتیان^۷

۱. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۳، ص ۷۶۹.

۲. گریدی، جوان اُ، مسیحیت و بدعت‌ها، ص ۱۳۱.

۳. کونگ، هانس، تاریخ کلیسای کاتولیک، ص ۸۵.

4. MacMullen, R., Christianizing The Roman Empire A.D.100-400.

5. Hughes, Philip, "A History of the Church", vol I. chapter 6.

6. Kirsch, J., *God against the Gods*, pp. 200-201.

7. Gratian.



گروهی از مشرکان برای آزادی معابد تلاش کردند، اما آمبروس^۱ با این گروه مخالفت می‌نمود. تئودوسیوس پادشاه نیز به آمبروس اقتدا نمود و در سال ۳۹۱ میلادی، هر گونه رفتار مشرکانه را ممنوع اعلام کرد.^۲ و در بیانهای اعلام نمود:

این خواست ماست که همه مردمی که توسط دولت بخشاینده ما حکومت می‌شوند، باید به مذهب پطرس رسول درآیند. سایرینی که از پذیرش این دستور خودداری می‌کنند و ما آنان را مجنون و دیوانه می‌دانیم، باید رسوایی تعصبات بدعت‌آمیز خود را متحمل شوند. و آنان باید در مرحله اول توسط انتقام الهی و در مرحله دوم به وسیله ابتکار عمل خود ما سرکوب شوند.^۳

وی همچنین اعلامیه‌ای صادر نمود مبنی بر اینکه هیچ شخصی نباید خود را با قربانی کردن حیوانات آلوده سازد؛ هیچ کس نباید قربانی بی‌گناهی را به قتل رساند؛ هیچ شخصی نباید به اماکن مقدس بت‌پرستان نزدیک شود و نباید به معابد برود و یا تمثیلی که توسط انسان‌ها ساخته شده را تقدیس نماید تا مبادا بر اساس قانون الهی و انسانی، مجرم شناخته شود.^۴ تئودوسیوس همچنین درباره مجازات و محرومیت غیرمسیحیان چنین دستور داد:

این امر ضروری می‌باشد که مزایایی که برای پیشرفت دین در نظر گرفته شده، تنها برای اعتقاد کاتولیک باشد. ما امیدواریم که مرتدان و تفرقه‌افکنان نه تنها از این مزایا بهره‌مند نباشند، بلکه باید جرایم متفاوتی نیز برای آنان در نظر گرفت. هر کجا که جمعی از مانویان را مشاهده نمودید، رهبر آنان را با هزینه‌های زیاد، جریمه کرده و کاری کنید تا اشخاصی که در آن جمع بوده‌اند، به عنوان اشخاصی بی‌آبرو شناخته شوند تا دیگر کسی با آنان ارتباط نگیرد، و خانه‌ای که آموزه‌های کفرآمیز آنان در آن بیان شده، ضبط گردد و به عنوان دفتر شهری مورد استفاده قرار گیرد.^۵

تئودوسیوس سپس با زور سرنیزه، تمامی معابد دیگر ادیان را نابود نمود و مردم را به پذیرش این آیین جدید واداشت و مخالفان را اعدام کرد.^۶ در نتیجه، بسیاری از راهبان بت‌پرست اعدام شدند و معابدشان ویران شد. در همین زمان در اسکندریه

1. Ambrose
2. Kleinhenz, C., Medieval Italy: An encyclopedia, p. 27.
3. Codex Theodosianus XVI 1.2. "Paganism and Rome".
4. Pharr, C. et al., Theodosian code and novels, and the Sirmonian constitutions, p. 473
5. Thatcher, O. J., The library of original sources: Ideas that have influenced civilization, vol, 4, p. 70 .
6. Lewis, N. and Reinhold Meyer, *Empire*, pp. 614.



مصر، اسقفی به نام سیریل با سنگباران مردم و آتش زدن معابد سایر ادیان، غیرمسیحیان را وادار به پذیرش مسیحیت می‌نمود. وی هیپاتیا، اولین زن ریاضی‌دان برجسته، را به دلیل کفر زنده‌زنده در آتش سوزاند.^۱ در نتیجه این اقدامات، بخش‌های زیادی از امپراتوری روم مسیحی شدند.^۲

بعد از تئودسیوس نیز سیاست اجبار مردم به تغییر دین هم در روم شرقی و هم در روم غربی ادامه یافت. بسیاری از بت‌پرستان در ظاهر خود را مسیحی نشان می‌دادند اما در واقع به آیین یونانی خود عبادت می‌کردند. قوانین و مجازات‌های سخت‌گیرانه‌ای علیه الحاد افزایش یافت؛ از جمله برای کسانی که کتاب بت‌پرستان را رونویسی و منتشر کنند مجازات قطع دست وضع شد.^۳ معابد به‌جامانده از ادیان مشرک به کلیسا تبدیل شدند.^۴

در سال ۴۵۱ میلادی، مارسیانوس ممنوعیت‌های قبلی در مورد قربانی نمودن و انجام مناسک مشرکانه را احیا کرد و دستور قتل و ضبط اموال متخلفان را داد. او برای تحکیم این امر، جرایم سنگینی را برای قاضیان و حاکمانی که به این دستور عمل نکنند، مقرر نمود. پس از او نیز پادشاه لئوی اول و آنتمیوس^۵ در حدود سال ۴۷۲ میلادی، جرایم سنگینی برای اعمال مشرکانه وضع کردند. در نتیجه این فشارها، بیشتر مردم روم مسیحیت را پذیرفتند و در اواخر قرن پنجم میلادی، چندگانه‌پرستی در امپراتوری بیزانس به یکی از اقلیت‌های دینی کوچک مبدل گشت.^۶

اگوستین نیز که در این عصر زندگی می‌کرده است گواهی می‌دهد که استفاده از اجبار تأثیر بسیاری در گرویدن مردم روم به مسیحیت داشته است، وی می‌گوید:

«در بسیاری از موارد بهتر است مردم ابتدا با ترس یا درد و رنج به این راه کشانده شوند تا اینکه بعدها تحت تأثیر آموزش و تعلیم قرار گیرند یا اینکه آن‌چه را لفظاً آموخته‌اند عملاً به کار بندند».^۷

وی در ادامه توضیح می‌دهد:

1. "Hypatia", *Oxford Dictionaries*, 2015.

۲. گریدی، جوان اُ، مسیحیت و بدعتها، صص ۱۵۴، ۱۵۵.

3. MacMullen, Ramsay, *Christianity & Paganism in the Fourth to Eighth Centuries*, p.4.

4. Theodosian Code 16.5.43.

5. Anthemius

6. Kaegi, W., *Byzantium and the Decline of the Roman Empire*, p. 61.

۷. رایشرگ، گریگوری، اخلاقی جنگ، ص ۱۶۱.

«بهتر است مردم با عشق و محبت به راه راست هدایت شوند اما یقیناً افرادی که از روی ترس اصلاح (مسیحی) شدند به مراتب بیشتر از افرادی هستند که با آموزش مسیحی شدند»^۱

و می پرسد:

«چرا نباید کلیسا فرزندان گمشده خویش را به بازگشت وادارد وقتی که فرزندان دیگران را به نابودی و هلاکت می کشانند»^۲

آلمان

در شمال غرب کشور آلمان ساکسون ها زندگی می کردند که دین ملی خود را داشتند. مظاهر این دین بیشتر قرعه و پرستش ستون هایی بود که نماد اتصال زمین به آسمان دانسته می شدند. شارلمانی، پادشاه فرانسه، در سال های بین ۷۴۸-۸۱۴ میلادی، جنگ بزرگی را با اغراض کشورگشایی و تحت پوشش مسیحی سازی اقوام کافر ساکسون آغاز نمود. او در این نبردها به بی رحم بودن شهرت یافت. او در سال ۷۸۲ در کشتار جمعی مردمان «وردن»^۳ دستور قتل ۴.۵۰۰ ساکسون را صادر نمود. شارلمانی نهایتاً ساکسون ها را ملزم به پذیرش آیین مسیحیت کرد و دستور داد اگر کسی تعمید نیابد و از سنت های مسیحیان پیروی نکند، کشته شود.^۴ اینهارده^۵ دوست صمیمی و مشاور شارلمانی درباره او می نویسد:

مسیحیان امروزی نوعی دو دلی در مورد شارلمانی دارند؛ زیرا از یک طرف رفتار شارلمانی در گسترش مسیحیت بر خلاف آن چیزی است که عیسی در انجیل آموزش داده بود و از طرفی، اگر او نبود، امروزه کلیسا شاید به این شکل باقی نمی ماند. جنگ آنان (ساکسون ها و فرانک ها) ۳۳ سال به طول انجامید و ساکسون ها به نسبت فرانک ها، بیشتر متضرر گردیدند. ساکسون ها، بارها و بارها تسلیم شدند و پیمان بستند که از فرامین آنان پیروی کنند، آنان گاهی آنقدر ضعیف می شدند که پیمان می بستند دین خودشان را تغییر خواهند داد و دیگر اهریمن را نخواهند پرستید و مسیحی خواهند شد، اما به سرعت پیمان خود را زیر پا می گذاشتند. چنین چیزی تقریباً هر سال روی می داد... و البته شارلمانی

۱. رایشبرگ، گریگوری، اخلاق جنگ، ص ۱۶۱.

۲. همان، ۱۶۲.

3. Verden.

4. "Charlemagne. facts & summary".

5. Enhard.

نیز رفتار آنان را با مجازات پاسخ می‌داد. نهایتاً، پس از تسلیم شدن ساکسون‌ها، آنان به دستورات شارلمانی عمل کردند و دین ملی خودشان را کنار گذاشته و به جای پرستش اهریمن، به مسیحیت ایمان آوردند تا با فرانک‌ها، یک ملت را تشکیل دهند.^۱

در شمال شرق آلمان نیز پروسی‌های مشرک زندگی می‌کردند. در قرن سیزدهم، پاپ اینوسنت سوم یک راهب سیسترسی به نام کریستیان^۲ را مأمور ساخت تا مشرکان پروس را به مسیحیت دعوت کند. او که با سرسختی مردمان پروس در پذیرش آیین مسیحیت مواجه شد، نهایتاً دست کمک به سمت شوالیه‌های تیوتونیک برای سرکوب آنان دراز کرد.^۳ در ۱۲۲۲ میلادی، شوالیه‌های تیوتونیک به پروس حمله کردند و آن‌جا را به تصرف خود درآوردند و تلاش زیادی برای مسیحی‌ساختن ساکنان بت‌پرست آن‌جا کردند^۴ در سال ۱۲۲۶ توافق‌نامه «گولدن بال» امضا گشت که در آن، سرزمین‌هایی از پروس به شوالیه‌های تیوتونیک تسلیم شد تا در راه مسیحی‌نمودن مشرکان پروس، مورد استفاده قرار گیرد.^۵ مشرکان پروس در برابر فشارها و اجبارهای دینی تیوتونیک‌ها شورش کردند. از آن جمله می‌توان به قیام آنان در سال‌های ۱۲۴۲، ۱۲۶۰ تا ۱۲۷۴ میلادی اشاره کرد که در آن، شوالیه‌های تیوتونیک، اسقف‌های پروس و نظامیان آلمانی ضربه سختی متحمل شدند^۶ و این مسئله منجر به بروز جنگ‌های متعددی بین شوالیه‌های تیوتونیک و پروس بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۵۲۱ شد.

دانمارک

مسیحی‌شدن اقوام ساکسون بر همسایگان دانمارکی ایشان نیز تأثیر گذاشت. کینگ‌هارالد^۷ پادشاه دانمارک در سال ۹۵۸ میلادی مسیحی شد و دستور داد که مردمان تحت فرمانش نیز می‌بایست تنها از آیین مسیح‌پیروی کنند و خدایان مشرکان



1. Graves, D., "Christian history institute".
2. Christian
3. Melton, G., *Faiths across time: 5,000 years of Religious History*, p. 809.
4. Christiansen, Erik, *The Northern Crusades*, p. 287.
5. Venning, T., *A Chronology of the Crusades*, p. 280.
6. Gladysz, M., *The Forgotten Crusaders*, p. 333.
7. King Harald

را رها سازند.^۱ او سنگ‌نوشته‌ای برای بزرگداشت پدر و مادر خود تهیه کرده و در آن، خود را به سبب مسیحی‌نمودن مردمان دانمارک ستوده است.^۲ اما برخی از مشرکان دانمارکی از پذیرش مسیحیت سرپیچی کردند؛ از این رو،



حاکمان مسیحی دانمارک تصمیم به اجبار آنان به پذیرش مسیحیت گرفتند. نیروهای نظامی دانمارک به رهبری هنری، به شهر دوبین حمله و آن را محاصره کردند. پس از محاصره طولانی، اهالی شهر دوبین شکست را پذیرفتند و با پذیرش غسل تعمید در مقابل عقب‌نشینی مهاجمان، قرارداد صلح امضا کردند و نیکلوت^۳ را به عنوان پادشاه پذیرفتند؛ اما اندکی پس از بازگشت نیروهای نظامی، دوباره به آیین مشرکانه خود بازگشتند.^۴

روسیه (اروپایی)، اوکراین، بلاروس

گرچه در هزاره اول میلادی، مسیحیت به صورت محدود در کشورهای شرق اروپا و روسیه نفوذ کرده بود اما تا اواخر هزاره اول میلادی که مملکت روس کیف بر اوکراین،

1. Breded, N., Christianization and the Rise of Christian Monerchy, p. 80.

2. Ibid, p. 84.

3. Niclot

4. Schmidt, I. F., The Pope and the Baltic Crusade, p. 35.

بلاروس و بخش اروپایی روسیه گسترده بود، مشرکان در اکثریت بودند. اولگا اهل کیف^۱ را اولین حاکم مسیحی روس‌زبان دانسته‌اند. وی در سال ۹۴۵ یا ۹۵۷ در قسطنطنیه غسل تعمید گرفت و برای تغییر دین مردم کشورش تلاش بسیار زیادی کرد، اما در این زمینه توفیق چندانی به دست نیاورد. حاکمان بعد از اولگا مجدداً به بت‌پرستی بازگشتند و ترویج مسیحیت تا چند دهه، تا زمان ولادیمیر بزرگ^۲ (۹۸۰-۱۰۱۵) متوقف شد. ولادیمیر پیرو آیین‌های بت‌پرستانه بود. وی علاقه زیادی به خوشگذرانی و شراب داشت و بیش از هشتصد زن در حرم‌سرای خود گرد آورده بود. اقوام تازه‌مسلمان تاتار ولادیمیر را به پذیرش اسلام دعوت کردند اما ولادیمیر به دلیل ممنوعیت شراب در اسلام از پذیرش آن سرباز زد^۳ و پاسخ داد «شراب تمام لذت روس‌ها است». مدتی بعد و در پی شورش که در سال ۹۸۷ در روم شرقی رخ داد و پایتخت بیزانس در محاصره قرار گرفت، باسیل دوم امپراتور روم شرقی از ولادیمیر درخواست کمک کرد. وی نیز در قبال قول ازدواج با شاهزاده این درخواست را پذیرفت و به کمک امپراتوری روم شرقی در قسطنطنیه رفت و بعد از سرکوب شورش، تحت تأثیر معماری کلیسای ایاصوفیا قرار گرفت. او تصمیم به پذیرش مسیحیت گرفت و تعهد کرد مردم کشورش را نیز مسیحی کند.^۴ ولادیمیر در بازگشت، به همراه فرزندان در رودخانه دنیپر غسل تعمید گرفت و همان‌جا فرمان داد تمام ساکنان کیف چه ثروتمند و چه فقیر چه گدا و چه برده باید فردا برای غسل تعمید به کنار رودخانه بیایند تا مبادا تبدیل به دشمنان پادشاه شوند. فردای آن روز تعداد زیادی از مردم از ترس یا اختیار به کنار رود آمدند و حتی برخی کودکانشان را آوردند و کشیشان ارتدکس آنان را تعمید دادند.^۵ وی سپس دستور داد تا مظاهر دیگر ادیان را نابود و تمثال بزرگان مسیحی را نصب کنند و در جایی که پیش از این مکان بت‌ها بود، کلیسا بسازند.^۶ برخی از شهرهای منطقه از پذیرش فرمان گرایش اجباری به مسیحیت سرباز زدند. از جمله شهر ولیکی نووگورود^۷ از پذیرش مسیحیت سرباز زد که با زور ششمیر متقاعد به پذیرش مسیحیت شدند. شهردار شهر پایتایتا^۸ نیز مردم شهرش

1. Olga of Kiev

2. Vladimir the Great

3. Moss, Walter G., "A History of Russia Volume I: To 1917", p. 18.

4. Golden, P. B., "Rus", in: *Encyclopaedia of Islam*.

5. *Lavrentevskaia Letopis*, vol. 1, col.s p102.

6. Breneid, N., *Christianization and the Rise of Christian Monerchy*, p. 383.

7. Veliky Novgorod

8. Putyata

را بین شمشیر و ایمان مسیحی مخیر ساخت^۱ و در شهر دوبریونیا^۲ کسانی که از پذیرش مسیحیت سرباز زدند به همراه همسر و تمامی خانواده‌شان در آتش سوزانده شدند.^۳ پرایمری کرانیکل^۴ از ولادمیر به عنوان «کنستانتین جدید روم قدرتمند که خود او و پیروانش تعمیم می‌یابند»، یاد می‌کند.^۵

فنلاند

تا قرن دوازدهم میلادی، منطقه‌ای که امروزه به عنوان فنلاند شناخته می‌شود، از جهت سیاسی منطقه‌ای خنثی و بت‌پرست بود. البته این منطقه، منطقه‌ای جذاب برای همسایه غربی خود، سوئد و کلیسای کاتولیک آن، و همسایه شرقی خود، نووگورود (روسیه) و کلیسای ارتدکس یونانی آن، به حساب می‌آمد. در این بین، سوئد گوی سبقت را ربود^۶ و سه جنگ صلیبی برای مسیحی‌ساختن بت‌پرستان فنلاند به راه انداخت. اولین جنگ در سال ۱۱۵۰ رخ داد و قلمرو فنلاند توسط پادشاهی به نام اریک نهم تسخیر شد و مردمان آن ملزم به پذیرش آیین مسیحیت گردیدند. دومین جنگ صلیبی سوئد برای مسیحی‌کردن مشرکان فنلاند از سال ۱۲۳۹ تا ۱۲۵۶ به طول انجامید. در گزارش‌ها آمده است که پاپ آدریان چهارم،^۷ پادشاه سوئد، کینگ اریک،^۸ را به فتح فنلاند تشویق نموده است. هدف او از تسخیر این منطقه فقط مسیحی‌نمودن قبایل این منطقه نبود، بلکه او به دنبال دستیابی به قدرت سیاسی و اقتصادی نیز بود. آخرین جنگ صلیبی سوئد بر علیه فنلاند در سال ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۵ انجام شد و در نتیجه این جنگ‌ها بت‌پرستان فنلادی وادار به پذیرش مسیحیت شدند. حکومت سوئدی‌ها بر فنلاند به مدت ۶۰۰ سال ادامه یافت و به این شکل، مردم فنلاند مسیحیت را پذیرفتند.^۹

1. Novgorodskaia tretiaia letopis, (PSRL 3), 208. On the initial conversion, see Vasili Tatischev, Istorii rossiskaia, vol. 1, pp. 112-113.
2. Dobrynya
3. Vasili Tatischev, Istorii rossiskaia, A. I. Andreev, et al. (eds.), vol. 1, pp. 112-113.
4. Primary Chronicle
5. Bred, N., Christianization and the Rise of Christian Monerchy, p. 384.
6. Zetterberg, S., Main outlines of Finnish history.
7. Pope Adrian IV
8. king Eric
9. Minahan, J.B., One Europe, many nations, p. 247.

استونی، لتونی و لیتوانی

مسیحی‌سازی مناطق شمال شرقی اروپا شامل ایالت‌های استونی،^۱ لیونی،^۲ سمیگالیا،^۳ لتگال^۴ و کورلاند^۵ از اواخر قرن دوازدهم میلادی آغاز شد و تا اواخر قرن سیزدهم کامل گردید.^۶ ساکسون‌ها و دانمارکی‌ها که پیش‌تر مسیحی شده بودند تلاش گسترده‌ای برای اجبار سایر ساکنان شمال اروپا انجام دادند و بخش اعظمی از شمال شرقی اروپا به سبب سلطه و اجبار ایشان مسیحی گردید.^۷ در سال ۱۱۴۷ میلادی که آلمان‌ها جنگ‌های خود را برای مسیحی‌سازی استونی و لیتوانی آغاز کردند، دو پادشاه دانمارکی رقیب به نام‌های اسون^۸ و کنت^۹ نیز نزاع‌های خود را برای مدتی کنار گذاشتند تا آلمان‌ها را در جنگ بر علیه اسلاوها حمایت کنند.^{۱۰} پاپ الکساندر سوم، در سپتامبر ۱۱۷۱ یا ۱۱۷۲، سه نامه در خصوص فعالیت‌های تبشیری اسقف فالکو^{۱۱} صادر کرد. در میان این نامه‌ها، نامه‌ای خطاب به پادشاهان و مردم مؤمن دانمارک، سوئد و نروژ وجود دارد که در آن، پاپ بیان کرده است گناهان اشخاصی که بر ضد مشرکان استونی بجنگند بخشوده خواهد بود. این نامه کوتاه، با توصیف خطری که از سوی مشرکان استونی برای مناطق مسیحی‌نشین به وجود آمده، آغاز می‌گردد. پاپ در این خصوص می‌گوید: «زمانی که اخباری از وحشی‌گری و جنگ اهالی استونی و دیگر کافران آن مناطق با مردمان خدا اخباری به ما می‌رسد، بسیار آزرده و ناراحت می‌شویم». سپس پاپ مخاطبان خود را طی ده نکته، به جنگ ترغیب می‌کند: بندگی همه‌جانبه خدا؛ علاقه به رحمت، عدالت و محاکمه عادلانه؛ منع از غارت و رفتارهای غیرعادلانه؛ بندگی مخلصانه خدا؛ بزرگداشت کلیسای روم و به منزله مادر تلقی نمودن آن؛ پیروی از اسقفان و کشیشان؛ پرداخت ده یک اموال و ادای دیگر دیون به کشیشان؛ بزرگداشت کشیشان به عنوان پدر و شبان؛ و دفاع از کشیشان و حق آنان.^{۱۲} در نهایت پاپ سیلستین سوم^{۱۳} فرمان جنگ صلیبی علیه کفار شمال اروپا را صادر کرد و در پی آن شوالیه‌های تیوتونیک^{۱۴} در بین سال‌های ۱۱۹۸ - ۱۲۹۰

1. Estonia
2. Livonia
3. Semgallia.
4. Lettgallia
5. Kurland
6. Bred, N., Christianization and the Rise of Christian Monarchy, p. 33.
7. Ibid, p. 34.
8. Sven.
9. Knud
10. Ibid, p. 99.
11. Fulco
12. Schmidt, I. F., The Pope and the Baltic Crusade, p. 95.
13. Pope Celestine III
14. Teutonic Knights



جنگ‌های گسترده‌ای علیه ساکنان بت‌پرست لتونی و استونی به راه انداختند و این سرزمین‌ها را تصرف کردند و ساکنان بت‌پرست آن‌ها را به بردگی گرفتند.^۱ این جنگ‌ها به نام جنگ‌های صلیبی لیونین^۲ شناخته می‌شود. شوالیه‌های تیوتونیک در ابتدا مناطق روستایی لتونی را تسخیر کردند و بعد متوجه استونی گشتند. پس از سه سال جنگ سخت در سال‌های ۱۲۰۸-۱۲۱۱، نهایتاً استونی تسلیم شوالیه‌های تیوتونیک شد. در سال ۱۲۱۹ نیز نیروهای دانمارکی به حمایت از آنان آمدند و برای حمایت از نیروها، قلعه‌ای در ساحل بنا کردند.^۳ در این جنگ‌های صلیبی بیش از ۴۳ نبرد بزرگ رخ داد و در نهایت با پیروزی صلیبی‌ها همراه شد و پس از جنگ، مردم محلی تمام مناطق در ظاهر مسیحی شدند^۴ و به‌مرور زمان در نسل‌های بعدی کاملاً مسیحیت را پذیرفتند.

لیتوانی آخرین منطقه بت‌پرست اروپایی بود که مسیحیت را پذیرفت. در قرن چهاردهم میلادی، یوگایلا^۵ پادشاه چندگانه‌پرست لیتوانی، درخواست ازدواج با ملکه لهستان، یادویگا^۶ و اتحاد دو پادشاهی لیتوانی و لهستان را داشت و این درخواست به مسیحی شدن او مشروط شد. به این سبب، او در ۱۵ فوریه ۱۳۸۶ تعمید یافت و تعمید یافتن او، موجب تسریع در ایمان آوردن درباری‌ها شد. با یکی شدن لیتوانی و لهستان، عده بسیاری از کشیشان و راهبان وارد لیتوانی شدند^۷ و به دنبال آن برخی از دهقلنان و اشراف به مسیحیت گرویدند. با این حال برخی از اقوام لیتوانی از پذیرش مسیحیت سرباز زدند. ساموگیتی‌ها^۸ آخرین قوم اروپایی مشرکی بودند که در نهایت شوالیه‌های تیوتونیک در سال ۱۴۱۳ در پی نبردی گسترده آنان را وادار به پذیرش غسل تعمید کردند.^۹

گرچه کشورهای اسکاندیناوی در نهایت تا ابتدای قرن چهاردهم مسیحی شدند اما ادیان بت‌پرست تا قرن هجدهم همچنان در این مناطق طرفدار داشتند^{۱۰} و حتی کسانی که مسیحی شده بودند بیشتر صرفاً به صورت ظاهری مسیحی شده بودند و

1. see: Sainty, Guy Stair, "The Teutonic Order of Holy Mary in Jerusalem".
 2. Livonian Crusade
 3. Taylor, N., *Estonia*, p. 13.
 4. Harrison, Dick, *Gud vill det!*. Nordiska korsfarare under medeltid (in Swedish), p. 573.
 5. Jogaila.
 6. Jadwiga
 7. Melton, G., *Faiths across time: 5,000 years of Religious History*, p. 938.
 8. Samogitia
 9. See: Vitkus, Aleksandras, *Dualistinis lietuvių tautybės susidarymas ir trialistinis Lietuvos krikšto pobūdis*.
 10. Scott Latourette, Kenneth, *A history of expansion of Christianity*, Vol 2. Pp. 106-43.

الهیات مسیحی را نپذیرفته بودند و دویست سال طول کشید تا دست از سنت‌های قبلی خود بردارند.

قاره امریکا

در سال‌های پایانی قرن پانزدهم، کریستف کلمب به همراه سه کشتی با نود نفر خدمه برای یافتن راهی نزدیک‌تر به سرزمین هند، راهی غرب شد و پس از پنج هفته به قاره‌ای جدید رسید. وی از این قاره، محصولات جدیدی را به عنوان سوغات و تعدادی از بومیان امریکا را به عنوان برده به اسپانیا برد. او بعد از کشف قاره امریکا، در نامه‌ای به پادشاه اسپانیا نوشت:

امیدوارم که اعلی حضرت پادشاه و ملکه دستور فرمایند که سرخپوستان را به ایمان مقدس دریابوریم چون ایشان بسیار آمادگی دارند... و اگر شما کمی به من مساعدت نمایید می‌توانم برای شما هرچقدر بخواهید طلا و برده بیاورم خداوند تعالی این پیروزی‌های بسیار درخشان را به پادشاه و ملکه اعطا کرد و لذا همه مسیحیت باید از آن شاد باشد و جشن‌های بزرگ برپا کنند.^۱

کشف قاره امریکا و ثروت انبوه آن، سوداگران اروپایی را روانه این قاره جدید کرد. اروپاییان در ابتدای ورود با مهمان‌نوازی بومیان روبه‌رو شدند، اما برده‌گیری از بومیان و وادار کردن آنان به کار سخت در معادن با غذا و استراحت کم، بومیان زیادی را به کام مرگ فرستاد. این رفتارها بومیان را به دفاع واداشت و از همین رو جنگ‌هایی را بین بومیان و استعمارگران رقم زد. از آن‌جا که بومیان با اسلحه‌های ابتدایی می‌جنگیدند و استعمارگران به باروت و تفنگ مجهز بودند، بومیان شکست خوردند و بسیاری از آنان کشته شدند. در این دوران، پروژه مسیحی‌سازی بومیان با خشونت دنبال می‌شد.

پادشاه اسپانیا، کارلوس پنجم، در جواب نامه ارنان کورتز در مورد اجازه برای فتح مکزیک، در نامه‌ای به او توصیه کرد که مواظب باشد اولین نیتش در این کار، مسیحی‌سازی «اسپانیای جدید» باشد. پس از فتح مکزیک پروژه برده‌سازی سرخ‌پوستان آغاز شد. لاس کاساس، کشیش دومینکن، درباره لزوم برده‌گرفتن سرخپوستان معتقد بود: «حق حاکمیت و سلطه بر سرزمین‌ها که توسط پاپ به اسپانیایی‌ها داده شده طبیعتاً مستلزم حق به بردگی گرفتن سرخپوستان است و این به نفع خود ایشان

1. Edndy, Matthew, "Columbus's First Letter. Its Diffusion through Europe 1493-1497", اقتباس از مجتهدزاده، محسن، مسیحیت در امریکای لاتین.

است که در مقابل اربابان اسپانیایی سر تسلیم فرو آورند». خوان دی کوئیدو،^۱ اسقف اعظم ونزوئلا، در نامه‌ای به چارلز پنجم در سال ۱۵۱۲ نوشت:

«سرخ‌پوستان از دیگر انسان‌های جهان نادان‌ترند و ما باید برای هدایت آنان، برده‌داری را اجرا کنیم».^۲

کشیش خوان گی نس^۳ در یکی از مقالات خود می‌نویسد:

«حق حاکمیت بر سرخ‌پوستان تنها شایسته اسپانیایی‌هاست. حکم آن نیز از سوی پاپ صادر شده است و تنها راه باقی‌مانده برای ترویج دینت مسیح، توسل به زور است».^۴

در سال ۱۵۲۲ میلادی یکی از کشیشان سرشناس به نام مارتین والنسیا^۵ در حالی وارد مکزیک شد که پاپ «مجوز ویژه» جدیدی جهت تشکیل «دادگاه تفتیش عقاید» توسط راهبان صادر کرده بود. در ۱۵۳۵ میلادی اولین مراسم «آدم‌سوزی» رسمی در مکزیک برگزار شد. چندی بعد و در همان سال، کارلوس چیچیمکاتیکوتل^۶ به جرم بدعت‌گذاری سوزانده شد که سبب شورش سرخپوستان در این منطقه شد. یکی دیگر از اقدامات، سوزاندن تمام «دست‌نوشته‌های تاریخی سرخپوستان» بود. در فتح یوکاتان^۷ مکزیک در ۱۵۶۲ میلادی، راهب فرانسیسکن اسپانیایی، دیگود لاند^۸، دستور داد تمام این اسناد و دست‌نوشته‌ها سوزانده شوند. همچنین وی دستور داد آثار و کتاب‌های سرخپوستان مایا به علت دعوت به بت‌پرستی سوزانده شود.^۹ در طول دوره استعمار در امریکا هیچ گونه آزادی مذهبی وجود نداشت و مردم مجبور به غسل تعمید و پرداخت مالیات به کلیسا بودند.

ارنان کورتز، پس از فتح مکزیک در سال ۱۵۱۹ و تخریب معبد آزتک‌ها، بر جای آن کلیسایی بنا کرد که امروزه مهم‌ترین کلیسای مکزیکوسیتی است.^{۱۰} طبق بالاترین آمار موجود، جمعیت مکزیک در سال ۱۵۲۰ و قبل از ورود قاتحان

1. Joun De Quedo

۲. واشبرن، ویلکمب، سرزمین مرد سرخ‌پوست، قانون مرد سفیدپوست، صص ۱۷-۲۵.

3. Juan Gines

۴. همان.

5. Martín de Valencia

6. Carlos Chichimecatecotl

7. Yucatán

8. Diego de Landa

9. Gutiérrez Solana, Nelly, *Los Mayas: historia, arte y cultura*, pp.85-86. اقتباس از مجتهدزاده.

محسن، مسیحیت در امریکای لاتین.

10. See: Díaz del Castillo, Bernal, *The Conquest of New Spain* – available as *The Discovery and Conquest of Mexico*: ۱۵۲۱-۱۵۱۷. اقتباس از مجتهدزاده، محسن، مسیحیت در امریکای لاتین.

اسپانیایی، ۲۲ میلیون و پانصد هزار نفر بود که در ۱۵۹۵ به کمتر از یک میلیون و پانصد هزار نفر کاهش یافت؛ یعنی در کمتر از یک قرن نسل‌کشی، ۹۳ درصد از سرخ‌پوستان قتل عام شدند.^۱ همچنین در ابتدای قرن شانزدهم، جمعیت امریکای لاتین، هشتاد میلیون نفر بود که در نیمه قرن هفدهم، جمعیت آن به کمتر از ده میلیون نفر کاهش پیدا کرد.^۲ طبق بالاترین آمار، تصرف قاره امریکا در مجموع نزدیک به ۱۳۸ میلیون تلفات انسانی از خود بر جای گذاشت.^۳ البته برخی از مورخان این آمار را اغراق‌آمیز می‌دانند و تعداد تلفات انسانی را به چند میلیون نفر کاهش می‌دهند در نتیجه تمامی این اقدامات عمده سرخ‌پوستان ضمن حفظ برخی از سنت‌های اجدادی، مسیحی شدند.

از طرفی در قرن پانزدهم میلادی میلیون‌ها برده از افریقا به قاره امریکا برده شد. برخی از این بردگان به دین‌های بومی افریقا اعتقاد داشتند و برخی نیز مسلمان بودند. بیشترین برده‌های مسلمان افریقایی به برزیل منتقل شدند.^۴ در بسیاری از اوقات بردگان معمولاً مجبور به پذیرش دین اربابانشان می‌شدند.

همچنین مهاجران اروپایی که از کشورهای مختلف راهی امریکا شدند اقدام به تأسیس کلیسا و ترویج فرقه رایج در منطقه خود در این قاره کردند. کلیساهای هلندی و انگلیسی عمدتاً در قرن هفدهم در این قاره پا گرفتند.

در نتیجه مهاجرت اروپایی‌ها، اجبار بومیان و برده‌ها به پذیرش مسیحیت و کشتارهای میلیونی، قاره امریکا به یک قاره یک‌دست مسیحی تبدیل شد. امروزه دین غالب کشورهای آنتیگوا و باربودا، باهاما، باربادوس، بلیز، کانادا، کاستاریکا، کوبا، دومینیکا، جمهوری دومینیکن، السالوادور، گرنادا، گواتمالا، هائیتی، هندوراس، جامائیکا، مکزیک، نیکاراگوئه، پاناما، سنت کیتس و نویس، سنت لوسیا، سنت وینسنت و گرنادین‌ها، ترینیداد و توباگو، ایالات متحده امریکا، آرژانتین، اکوادور، اوروگوئه، برزیل، بولیوی، پاراگوئه، پرو، سورینام، شیلی، کلمبیا، گویان، و ونزوئلا مسیحیت است.

1. Stannard, David, American Holocaust: The Conquest of the New World, U.S.A, pp. 72-73.

۲. رک: مجتهدزاده، محسن، مسیحیت در امریکای لاتین.

3. McKenna, Erin and Scott L. Pratt, American Philosophy: From Wounded Knee to the Present, p. 375.

4. see: Lovejoy, Paul E., Muslim Encounters With Slavery in Brazil.

قاره افریقا

کشورهای آنگولا، افریقای جنوبی، جمهوری افریقای مرکزی، اتیوپی، الجزایر، اوگاندا، بوتسوانا، بنین، بوروندی، تانزانیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، رواندا، زامبیا، زیمباوه، ساحل عاج، سائوتومه و پرنسیپ، سوازیلند، سودان جنوبی، سیرالئون، سیشل، صحرا، غنا، کنگو، کنیا، کومور، گینه استوایی، گینه بیسائو، لسوتو، لیبیا، ماداگاسکار، مالاوی، موزامبیک، نامیبیا، نیجریه کشورهای عمدتاً مسیحی‌نشین قاره افریقا هستند. اما این کشورها در چه تاریخی و چگونه مسیحی شدند.

مسیحیت در ابتدای قرن دوم میلادی وارد مصر شد و در برخی از نقاط به خصوص در اسکندریه مصر پیشرفت خوبی داشت. پس از آن که امپراتوری روم مسیحیت را دین رسمی خود اعلام و مردم را به پذیرش مسیحیت اجبار کرد، تا اواخر قرن پنجم، بخش‌هایی از شمال این قاره تا اتیوپی نیز مسیحی شدند. اما این تغییر آیین دیری نپایید؛ زیرا در اواسط قرن هفتم میلادی و با گسترش اسلام کم‌کم مسیحیت از شمال این قاره رخت بریست و تنها کلیسای قبطی مصر و کلیسای ارتدکس اتیوپی مسیحی باقی ماندند.

تا قرن پانزدهم به غیر از دو کلیسای قبطی و اتیوپی، هیچ بخشی دیگری از افریقا مسیحی‌نشین نبود. در قرن شانزدهم، اروپاییان مرکز و جنوب قاره افریقا را کشف کردند و هم‌زمان تبشیر مسیحیت نیز در این قاره شروع شد. دیوید لیونگ استون^۱ (۱۸۱۳-۱۸۷۳) از مشهورترین مبلغانی است که به سرزمین‌های دور دست افریقا رفت.^۲ مبلغان کلیسایی در حقیقت پیشقراولان استعمارگران بودند. این مبلغان ابتدا سرزمین‌های مناسب را کشف می‌کردند و سپس استعمارگران وارد آن سرزمین‌ها می‌شدند. جومو کیاتتا، اولین رئیس جمهوری کنیا بعد از استقلال، در جمله معروفی می‌گوید:

«وقتی مبلغان کلیسا به سرزمین ما آمدند، در دستشان کتاب مقدس داشتند و ما در دست زمین‌هایمان را داشتیم، پنجاه سال بعد، کتاب‌های مذهبی در دست داشتیم و آنان زمین‌های ما را در دست داشتند».^۳

اروپایی‌ها به‌ویژه بریتانیایی‌ها و فرانسویان علاقه‌مند به جست‌وجو در قلب قاره افریقا، عرصه را برای تجارت، استخراج معادن و دیگر بهره‌برداری‌های بازرگانی در آن منطقه گشودند. مسیحیان در این دوران تعداد زیادی از افریقایی‌ها را به عنوان

1. David Livingstone

2. Jeal, Tim, Livingstone: Revised and Expanded Edition, pp. 126, 147-8.

3. Hochhuth, Rolf, *a Christian tragedy*, p.144.



برده به کشور خود بردند. دیوید التیس^۱ معتقد است بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰، حدود ۵۰ میلیون سیاه‌پوست افریقایی به قاره امریکا انتقال یافتند.^۲ کلیساهای امریکا تلاش بسیاری برای مسیحی کردن این بردگان انجام دادند. مبشران بابتیست و متدیست برای اربابان استدلال می‌کردند که مسیحی شدن بردگان می‌تواند سود بیشتری نصیب آنان کند.^۳ در بسیاری از مزارع، بردگانی که رسوم دینی قبلی خود را به جا آورند مجازات می‌شدند.

همچنین گفته شده است بین ۱۲ تا ۱۵ میلیون برده نیز از افریقا به اروپا منتقل شدند.^۴ گاهی برای مسیحی ساختن این بردگان از اجبار استفاده می‌شد؛ برای مثال مبلغ هلندی سنت آستیوس^۵ و مبلغ انگلیسی سنت وینوسنت^۶ این بردگان را شلاق می‌زدند و یا ساعت‌ها معلق آویزان می‌کردند تا مسیحیت را بپذیرند.^۷ در برخی از کشورها، از جمله فرانسه، بردگان خریداری شده را قبل از ورود به کشورشان مجبور به پذیرش مسیحیت و غسل تعمید کاتولیکی می‌کردند.^۸

افریقایی‌هایی که در افریقا باقی ماندند نیز مجبور به پذیرش مسیحیت می‌شدند. گارسیا سیموئیس^۹ کشیش ژزوقیت، در اکتبر ۱۵۷۵ به رئیس خود در پرتغال نوشت که در آنگولا «تقریباً همه این درک را دارند که گرانش این بربرها به مسیحیت نمی‌تواند از طریق عشق باشد، بلکه این هدف تنها با سرکوب و بدل کردن آنان به زبردستی برای خدایمان به دست می‌آید... این بربرهای وحشی با روش اقناع مسالمت‌آمیز به کیش مسیحیت در نمی‌آیند. مسیحیت در آنگولا باید با استفاده از خشونت تثبیت شود».^{۱۰} از همین رو استعمارگران و برده‌داران افریقایی با استفاده از اجبار، ملل افریقایی را مجبور می‌کردند تا دین اربابانشان را بپذیرند.

در نهایت کلیسا توانست با استفاده از زور و اجبار، از ابتدای قرن ۱۶ تا پایان قرن ۱۹ بخشی از ملل افریقایی را مسیحی کند؛ ولی همچنان اکثریت ساکنان مرکز و جنوب افریقا مسیحی نبودند. مکمل اقدامات استعمارگران در ترویج مسیحیت در افریقا، حرکت‌های تبشیری قرن بیستم اعم از ساخت بیمارستان، مدرسه و... بود. در

1. David Eltis
 2. See: Eltis, David, Economic Growth and the Ending of the Transatlantic slave trade.
 3. Bisnauth, D.A., History of Religions in the Caribbean.
 4. Patrick Manning, "The Slave Trade: The Formal Dermographics of a Global System", pp. 117-44.
 5. St. Eustatius
 6. St. Vincent
 7. Heffrey, K. Padgett, "The Christianization of Slaves in the West Indies",
 8. Watson, James L., Asian and African systems of slavery, pp. 158-159.
 9. Garcia Simões
 10. Hugh, Thomas, The Slave Trade: The Story of the Atlantic Slave Trade: 1440-1870, p. 132.

این حرکت‌های تبشیری مبلغان کلیسایی با ارائه خدمات آموزشی رایگان، کودکان افریقایی را از ابتدا با فرهنگ مسیحیت تربیت می‌کردند. این اقدامات در مسیحی‌شدن بخش دیگری از اقوام افریقایی که دارای دین‌های باستانی بودند، تأثیر بسزایی داشت. از جمله یکی از شیوه‌های مؤثر در ترویج مسیحیت در ماداگاسکارا آموزش ابتدایی به کودکان افریقایی بود. در سال ۱۸۲۵ استعمارگران آموزش ابتدایی برای کودکان اشراف را در مدارس غربی در ماداگاسکارا اجباری کردند. معلمان این مدارس کشیشان و مبلغان مسیحی بودند و اصول آموزشی این مدارس بر دو اصل وفاداری به حکومت استعماری و وفاداری به الهیات مسیحی بنا نهاده شده بود.^۱ در ابتدا این مدارس در جذب کودکان به مسیحیت ناموفق بودند، اما با گذشت زمان این مسئله با موفقیت همراه شد. امروزه در حدود چهل درصد از ساکنان این قاره مسیحی هستند.

قاره استرالیا

در سال ۱۷۷۰ میلادی کاپیتان جیمز کوک دریانورد بریتانیایی، نواحی اطراف سیدنی در شرق استرالیا را کشف کرد. در پی آن کاپیتان آرتور فیلیپ در ۱۸ ژوئیه ۱۷۸۸ با یازده کشتی و ۱۳۵۰ مسافر به حوالی سیدنی رسید و ضمن اعلام این منطقه به عنوان یکی از مستعمره‌های بریتانیا، خود به فرمانداری آن برگزیده شد. در این زمان بومیان زیادی در این جزیره زندگی می‌کردند که تعدادشان را بین سیصد هزار تا یک میلیون نفر تخمین زده‌اند.^۲ اروپاییان پس از ورود سیاست‌های استعماری خود را بر علیه بومیان به کار بستند. یکی از مهم‌ترین اقدامات استعماری اروپاییان ربودن فرزندان بومیان استرالیایی و نگهداری آنان در نوانخانه‌های کلیسایی یا در خانه‌های سفیدپوستان بود. دولت استرالیا با حمایت مبلغان مسیحی و با استناد به مواد قانونی این کشور، تعداد زیادی از کودکان بومی را به بهانه عدم کفایت ولدین در تربیت فرزندان، از خانواده‌هایشان جدا نمود. این گروه‌ها امروزه به نسل‌های ربوده شده شهرت یافته‌اند. روند جداسازی کودکان بومی از خانواده‌هایشان از سال ۱۸۷۱ تا ۱۹۶۹ ادامه داشت.^۳ کلیسا که از تبشیر بومیان بزرگسال مایوس بود، امید داشت با بودن و تربیت کودکان بومی نسل بعدی بومیان استرالیایی از کودکی با فرهنگ

1. Sharp, Leslie, *The Sacrificed Generation*, p. 43.

2. see: Gough, Myles, "Prehistoric Australian Aboriginal populations were growing".

3. see: Read, Peter, *The Stolen Generations: The Removal of Aboriginal children in New South Wales 1883 to 1969*.

مسیحی بزرگ شوند. در نتیجه این اقدامات امروزه بیش از ۷۰ درصد بومیان استرالیا مسیحی شده‌اند.

در سال‌های اخیر بومیان تلاش زیادی کردند تا دولت استرالیا را مجبور کنند بابت این اقدامات عذرخواهی کند. در نهایت تحت فشار بومیان در فوریه ۲۰۰۸ دولت استرالیا مجبور به عذرخواهی شد. کوین راد، نخست وزیر استرالیا، در یک مراسم رسمی در پارلمان این کشور که به صورت زنده در سراسر کشور منتشر شد از بومیان استرالیا به‌ویژه از کودکان جداشده و خانواده‌های آنان عذرخواهی کرد و گفت:

«من به دلیل وجود قوانین و سیاست‌های نادرست دولت‌های پیشین که باعث وارد آمدن لطمات عمیقی بر بومیان و نسل رבוده شده‌ام و فرزندانمان شد، عذرخواهی می‌کنم...»^۱.

قاره آسیا

ارمنستان

مورخان معمولاً ارمنستان را اولین کشور مسیحی می‌دانند. قبل از پذیرش مسیحیت آیین رسمی ملت ارمنستان زرتشتی (و میترائیسم) بود.^۲ در سده دوم میلادی، ساسانیان بر اشکانیان غلبه یافتند و حکومت اشکانیان را برانداختند. تیرداد سوم یکی از تبار اشکانیان بود که به روم گریخت و پس از مدتی با حمایت روم، با سپاهی راهی ارمنستان شد و این سرزمین را از کشور ایران جدا کرد و تحت الحمایه روم قرار داد. در این زمان گریگوری روشنگر که قدیسی مسیحی بود با دربار شاهان اشکانی ارمنستان ارتباط داشت. گریگوری به دلیل عدم کرنش برای خدایان مهرپرستی به مدت سیزده سال در سیاهچال زندانی شد ولی پس از آن که تیرداد سوم گرفتار بیماری سختی شد، از زندانی کردن او پشیمان گشت و وی را از سیاهچال خارج ساخت. تیرداد در اثر موعظه گریگوری روشنگر مسیحیت را پذیرفت و در سال ۳۰۱ میلادی، وی و درباریان مسیحی شدند.^۳

بر اساس گزارش‌های موجود، او به محض آن که مسیحی شد تمامی مردم ارمنستان را به زور شمشیر مجبور به قبول مسیحیت کرد. در ابتدا بسیاری از ارمنیان بر علیه پادشاه به پا خاستند، اما در نهایت تیرداد توانست بر این مخالفت‌ها فایق آید و ارمنستان رسماً به کشوری مسیحی تبدیل شد.^۴ بعدها با فشار ساسانیان آرامنه

1. "Rudd says sorry".

2. Boyce, Mary, Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices, p. 84.

3. Incorporated Grolier Academic American Encyclopedia, p. 172.

۴. میلر، ویلیام، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ص ۲۷۲.

برای مدتی به آیین زرتشتی بازگشتند و مسیحیت به اقلیت تبدیل شد؛ اما در نهایت با شورش مسیحیان در سال ۴۸۱ طی مصالحه‌ای قرار شد تمامی آتشکده‌های زرتشتیان خراب شود و آرامنه دوباره به مسیحیت گرویدند.^۱

فیلیپین

تا قبل از قرن پانزدهم، سه دین اسلام، بودیسم و هندویسم دین‌های رایج فیلیپین بودند. در سده پانزدهم میلادی کمبود فلفل و ادویه در اروپا به یک مشکل بدل شد و فقط پادشاهی ونیزی می‌توانست را از طریق مدیترانه ادویه وارد کند. اسپانیا و پرتغال برای دستیابی به منبع فلفل و ادویه به سمت کشورهای شرق به راه افتادند. دریاسالار اسپانیایی، فردیناند ماگلان،^۲ در ۱۵۲۱ میلادی برای اولین بار به سرزمین فیلیپین دست یافت. بر اساس داستان‌های بومی در همین زمان فرزند راجه هومابون،^۳ حاکم جزیره سبو، مریض بود و ماگلان با اطلاعاتی که درباره پزشکی داشت، وی را درمان کرد. ماگلان از آنان خواست که مسیحی شوند و غسل تعمید بگیرند. راجه هوموبان و خانواده‌اش مسیحی شدند و به گونه‌ای در خدمت ماگلان قرار گرفتند و دیگران آنان را برده ماگلان نامیدند. پس از مرگ ماگلان اسپانیا حاکم جدیدی به نام می‌گوئل لویز دلگازپای^۴ در این سرزمین منصوب کرد. وی با گروهی از مبلغان آگوستینی راهی فیلیپین شد و شروع به حمله و تصرف سایر بخش‌های فیلیپین از جمله مانیل نمود. در آن زمان مانیل شهری مسلمان‌نشین و در حاکمیت راجه سلیمان^۵ بود. با شکست راجه سلیمان مقاومت بقیه بخش‌های فیلیپین نیز شکسته شد و تمامی این جزیره در اختیار استعمارگران اسپانیایی قرار گرفت. استعمارگران شروع به ترویج مسیحیت در این جزیره کردند. در سال ۱۶۰۹ آنتونیو د. مورگا^۶ نامه‌ای به بخش حکومت اسپانیا می‌نویسد که گویای نقش اجبار در مسیحی شدن ساکنان این سرزمین است:

بعد از آن که جزایر فیلیپین توسط پادشاهی روشنائی انجیل مقدس فتح شد، کفار غسل تعمید داده شدند، تاریکی‌های الحاد نابود شدند، و نام‌های مردم به نام‌های مسیحی تغییر داده شد. سایر جزایر نیز دینشان تغییر

۱. همان، ص ۲۹۷.

2. Ferdinand Magellan
3. Rajah Humabon
4. Miguel López de Legazpi
5. Rajah Sulayman
6. Antonio de Morga

داده شد و غسل تعمید داده شدند و نامشان را عوض کردند و جزیره فیلیپین نعمت سلطنت اعلی حضرت را پذیرفت.^۱

حاکمان مسلمان در برابر استعمارگران اسپانیولی همچنان مقاومت کردند و به شورش‌هایی در گوشه و کنار فیلیپین دست زدند؛^۲ اما در نهایت این استعمارگران بودند که دین خود را تبدیل به آیین رسمی فیلیپین تبدیل کردند. امروزه بیش از ۹۰ درصد از مردم فیلیپین مسیحی هستند.^۳

چین

مبلغان مسیحی نخستین بار در قرن هشتم میلادی، از طریق جاده ابریشم وارد چین شدند؛^۴ اما تبلیغ جدی مسیحیت در این کشور را باید مربوط به قرن ۱۶ تا ۱۸ دانست. در این زمان و با ورود استعمارگران به چین، جمعی از مبلغان کاتولیک در این کشور مشغول ساخت کلیسا و تبلیغ مسیحیت شدند. در قرن نوزدهم پروتستان‌ها نیز به تبلیغ در چین پرداختند. در سال ۱۸۰۷ رابرت موریسون^۵ اولین مبلغ پروتستانی بود که وارد چین شد و در این کشور به تبلیغ مسیحیت پرداخت.^۶ بعد از جنگ تریاک در سال ۱۸۴۲ و پیروزی اروپاییان بر چینی‌ها تبلیغ مسیحیت در چین شدت گرفت، اما این فعالیت‌ها چندان موفق نبود و جمع محدودی به مسیحیت گرویدند.

یکی از مهم‌ترین حوادث مربوط به مسیحیت در چین، شورش مسیحیان تایپینگ بود. رهبر شورش شخصی به نام هونگ شتو چوان^۷ بود که تحت تأثیر آیین مسیحیت قصد نجات بشریت را داشت. هونگ تحت تأثیر مبلغان پروتستان قرار داشت و کتاب مقدس را مطالعه نموده بود. او به همراه پسر عمویش توسط مبلغان پروتستان غسل تعمید گرفت.^۸ در سال ۱۸۴۳ پس از آن که در امتحان کشیشی نمره کافی را کسب نکرد، دچار فروپاشی عصبی شد و ادعا کرد در عالم خواب مردی با ریش‌های بلند و موهای طلایی و لباس بلند سفید و مشکی شمشیری را به وی داد و به وی دستور داد تا شیطان را در کنار مرد جوانی که وی را برادر بزرگ‌تر می‌خواند ذبح کند.^۹ هونگ بر این عقیده بود که آن مرد با موهای طلایی یهوه و آن مرد جوان عیسی مسیح بود و آنان مسئولیت کشتن شیطان در پادشاهی جدید آسمان بر

1. Antonio de Morga, "History of the Philippine Islands".
2. Russell, S.D., "Christianity in the Philippines".
3. "Philippines still top Christian country in Asia, 5th in world".
4. Halbertsma, Early Christian Remains of Inner Mongolia, p. 79.
5. Robert Morrison
6. Johnstone, Patrick, Operation World, p.164.
7. Hong Xiuquan
8. Michael, Franz H., The Taiping Rebellion: History and Documents, p. 25.
9. Spence, Jonathan, *God's Chinese Son*, p 171-172.

روی زمین را به وی واگذار کرده‌اند.^۱ البته هونگ تفسیر جداگانه‌ای از مسیحیت ارائه نمود. او یک فرقه جدید تأسیس نمود. او گرچه جنبش خودش را فرقه‌ای از پروتستان اونجلیکال می‌دانست؛ اما بسیاری از باورهای کلیسایی را نیز رد می‌کرد. از جمله وی معتقد بود پدر همان پسر است و در آخر الزمان خود پدر به زمین می‌آید. هونگ ادعا داشت که طبق فرمان الهی بر ضد حکومت امپراتوری قیام کرده است. او در سال ۱۸۴۸، جامعه‌ای به نام «جامعه خداپرستان» تشکیل داد و از طریق آن می‌خواست حکومت منچو را براندازد. این جنبش وسیع‌ترین جنبش سیاسی و مذهبی قرن نوزدهم میلادی در چین بود. این جنبش در سال ۱۸۵۳ نانکن و قسمت اعظم جنوب چین را تصرف کرد. در برنامه‌های اصلاحی آنان، عقاید مذهبی مسیحی و ایدئولوژی سنتی درهم آمیخته شده بود. سیاست‌های رسمی حکومت تایپینگ‌ها بر این امور استوار بود:

آموزش و گرفتن امتحان از مسئولان حکومت برای ترک آیین کنفوسیوس و پیوستن به آیین مسیحیت؛

لغو مالکیت خصوصی؛

جایگزین کردن تقویم خورشیدی میلادی به جای تقویم چینی؛

ممنوعیت ازدواج تا استقرار کامل حکومت آسمانی و تأکید بر جداسازی شدید زن و مرد تا سال ۱۸۵۵ (به زوج‌های متأهل نیز اجازه داده نمی‌شد با هم روابط داشته باشند)؛^۲

سرکوب آیین کنفوسیوس، بودیسم و ادیان سنتی چینی، و اعلام مسیحیت به عنوان یگانه دین رسمی کشور چین (خونگ شی صومعه‌ها و کتابخانه‌های معابد بودایی را کاملاً ویران نمود)؛^۳ منع تریاک، قمار، مشروب، برده‌داری و فحشا.

با این اندیشه هونگ اقدام به شورش بر علیه حاکمیت نمود و مردم فقیر نیز از وی حمایت کردند. دامنه این شورش نیمی از چین را فراگرفت. در این شورش‌ها بسیاری از کتابخانه‌ها و مؤسسه‌های فرهنگی این کشور در آتش سوختند. اما این جنبش در نهایت شکست خورد و به نتیجه نرسید. اما در نتیجه این شورش نزدیک

1. Wsu.edu. "Wsu.edu." Taiping Rebellion.

2. Spence, Jonathan, *God's Chinese Son*, p. 234.

3. Tarocco, Francesca, *The Cultural Practices of Modern Chinese Buddhism*, p. 48.

به ۱۰۰ میلیون نفر از مردم چین کشته شدند.^۱ برخی از مورخان این آمار را اغراق آمیز می‌دانند و آماری ۲۰ میلیون تلفات را برای این کشتار بیان کرده‌اند.^۲

نتیجه

مسیحیت در سیصد سال نخست خود در گوشه و کنار شهرها و روستاها کم‌کم گسترش یافت؛ اما هنگامی که در اوایل قرن چهارم، به دین رسمی روم تبدیل شد امپراتوران روم مردم را وادار به پذیرش مسیحیت کردند و در نتیجه، مملکت پهناور روم که شامل تمام سواحل دریای مدیترانه در اروپا و آفریقا و خاورمیانه می‌شد مسیحی شدند. از طرفی ارمنستان و گرجستان نیز در طی قرن چهارم بر اثر تغییر دین پادشاهانشان مسیحیت را پذیرفتند. در سال ۵۹۷ اگوستین توانست حاکم انگلستان را مسیحی کند و به تبع آن ساکنان این کشور مسیحی شدند. در سال ۸۶۵ خان بوریس حاکم بلغارستان مسیحیت را پذیرفت و مردم تحت امر خود را وادار به پذیرش مسیحیت کرد و کسانی که از مسیحی شدن سرباز زدند را کشت. بخش‌های جنوب کشور آلمان در قرن چهارم و پنجم مسیحی شده بودند، و شمال آلمان نیز چند قرن بعد و در اثر تهاجم مسیحیان، مسیحیت را پذیرفت. شارلمانی در سال‌های ۷۴۸-۸۱۴ جنگ‌هایی را با هدف مسیحی‌سازی اقوام ساکسون آغاز کرد و موفق به مسیحی‌سازی شمال آلمان شد و ساکنان شمال شرق آلمان نیز در سال ۱۲۲۲ در پی حملات شوالیه‌های تیوتونیک وادار به پذیرش مسیحیت شدند. در پی مسیحی شدن ساکسون‌های شمال آلمان، کینگ‌هارالد پادشاه دانمارک در سال ۹۵۸ میلادی، طی دستوری اعلام کرد مردمان تحت فرمان او نیز می‌بایست فقط از آیین مسیح‌پیروی کنند و خدایان مشرکان را رها سازند. او ضمن ارائه مشوق‌های اقتصادی به مسیحی‌شدگان، به شهرهایی که از پذیرش مسیحیت سرباز می‌زدند یورش می‌برد و زمانی آن شهرها را ترک می‌کرد که ساکنانش مسیحیت را می‌پذیرفتند. در اواخر قرن دهم، مسیحی شدن برخی از مردم ایسلند منازعات زیادی در این کشور ایجاد کرد و در نهایت مجلس قانون‌گذاری ایسلند برای

1. "The Taiping Rebellion 1850-1871 Tai Ping Tian Guo".

2. "Taiping Rebellion - Britannica Concise".

جلوگیری از نزاع‌ها در سال ۱۰۰۰ میلادی قانونی مصوب کرد که طبق آن، ساکنان ایسلند مجبور به پذیرش مسیحیت شدند. اواخر قرن دهم، مسیحیت در ملل روس‌زبان نیز گسترش یافت. در سال ۹۸۷ میلادی، ولادیمیر بزرگ پادشاه بت‌پرست کیو روس (اوکراین، بلاروس و روسیه اروپایی) پس از آن‌که از پذیرش اسلام به خاطر ممنوعیت شراب سرپاز زد، طی سفری به کنستانتینوپل مسیحی شد و فرمان داد تمام ساکنان کیف چه ثروتمند و چه فقیر چه گدا و چه برده باید مسیحی شوند و کسانی که از پذیرش مسیحیت سرپاز زدند را با زن و فرزندانشان در میان آتش سوزانید. تا پایان هزاره اول هنوز کشورهای اسکاندیناوی و اسلاو غربی مسیحی نشده بودند. ابتدا سوئد و نروژ در اثر تبلیغات دینی و اجبار حاکمان مسیحی در قرن یازدهم مسیحی شدند و بین سال‌های ۱۱۵۰ تا ۱۲۹۵ سه جنگ صلیبی برای مسیحی کردن بت‌پرستان فنلاندی آغاز نمودند. در اواسط قرن دوازدهم و در سال ۱۱۴۷ میلادی، هنگامی که بخشی از مردم لهستان مسیحیت را انکار کردند و دست به شورش زدند، با فرمان پاپ ارتش ساکسون‌ها و دانمارکی‌ها با هدف اجبار مشرکان به پذیرش مسیحیت راهی سرزمین‌های اسلاو غربی شدند. اسلاوهای بت‌پرست پس از شکست توافق کردند در برابر عقب‌نشینی صلیبیون غسل تعمید بگیرند. سپس شوالیه‌های تیوتونیک در بین سال‌های ۱۱۹۸ - ۱۲۹۰ جنگ‌های گسترده‌ای علیه ساکنان بت‌پرست لتونی و استونی راه انداختند و این سرزمین‌ها را تصرف کردند و سیاست‌های تغییر دین اجباری را در آن مناطق پیاده کردند. لیتوانی آخرین منطقه بت‌پرست اروپایی بود. در قرن چهاردهم، بخشی از این سرزمین در پی اتحاد سیاسی با لهستان مسیحی شد، اما بخشی همچنان به آیین‌های بت‌پرست وفادار ماندند که در نهایت شوالیه‌های تیوتونیک در قرن پانزدهم این بخش‌ها را نیز وادار به پذیرش غسل تعمید کردند. در این قرن، توجه مسیحیان به بازپس‌گیری مناطق مسلمان‌نشین جنوب اروپا جلب شد و کشورهای سیسل، مالت، اسپانیا و پرتغال را تصرف کردند و مسلمانان و یهودیان ساکن در این مناطق را اخراج و یا وادار به

پذیرش مسیحیت کردند. در قرن شانزدهم استعمار اروپایی‌ها در قاره امریکا و افریقا آغاز شد. سیاست‌های استعماری، برده‌داری و اجبار نقش زیادی در مسیحی‌شدن مردم امریکا و بردگان افریقایی داشت. اما بخش زیادی از قاره افریقا در قرن‌های نوزدهم و بیستم، بر اثر آموزش و خدمات بهداشتی مسیحی شدند. بعد از جنگ جهانی اول، فاتحان اروپایی جنگ، مسلمانانی که در بخش‌های شرق اروپا (به غیر از بالکان) سکونت داشتند و در اثر حضور عثمانی‌ها به این مناطق مهاجرت کرده و یا مسلمان شده بودند را از این مناطق اخراج کردند. همچنین در اثر فعالیت‌های تبشیری و آموزشی مسیحی در پنجاه سال اخیر، نزدیک به ۳۰ درصد مردم کره جنوبی نیز مسیحی شده‌اند.



منابع

۱. دوران‌ت، ویل، تاریخ تمدن، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.
۲. رایشبرگ، گریگوری، اخلاق جنگ، تهران، وزارت امور خارجه اداره انتشارات و مدارک، ۱۳۹۰.
۳. کونگ، هانس، تاریخ کلیسای کاتولیکه قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.
۴. گریدی، جوان ا، مسیحیت و بدعتها، مترجم عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، چاپ دوم، انتشارات کتاب طه، ۱۳۸۴.
۵. مجتهدزاده، محسن، مسیحیت در امریکای لاتین، قم، نشر ادیان، ۱۳۹۲.
۶. میلر، ویلیام، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
۷. واشبرن، ویلکمب، سرزمین مرد سرخ‌پوست، قانون مرد سفیدپوست، ترجمه هنگامه قاضیانی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۴.
8. Antonio de Morga, "History of the Philippine Islands", Project Gutenberg. Retrieved 2016-12-11.
9. Bisnauth, D.A., History of Religions in the Caribbean, Kingston. Kingston Pub. Ltd, 1989.
10. Brened, N., Christianization and the Rise of Christian Monerchy, Cambridge University Press, 2007.
11. "Charlemagne - facts & summary", Retrieved from history.com.
12. Christiansen, Eric, The Northern Crusades, London: Penguin Books, 1997.
13. David, Eltis, Economic Growth and the Ending of the Transatlantic slave trade.
14. Díaz del Castillo, Bernal, The Conquest of New Spain – available as The Discovery and Conquest of Mexico: 1517-1521.
15. Edney, Matthew, "Columbus's First Letter. Its Diffusion through Europe, 1493-1497", University of Southern Maine, Consultado el junio, 2009.
16. Erin McKenna, Scott L. Pratt, American Philosophy: From Wounded Knee to the Present, Bloomsbury, 2015.
17. Gladysz, M., The Forgotten Crusaders, Brill, 2012.
18. Golden, P.B., "Rus", Encyclopaedia of Islam, Eds. P. Bearman, Th. Bianquis, C. E. Bosworth, E. van Donzel and W.P. Heinrichs, Brill, 2006.
19. Gough, Myles, Prehistoric Australian Aboriginal populations were growing. Cosmos Magazin, 2011.
20. Graves, D., Christian history institute. Available Retrieved 2016-11-12
21. Gutiérrez Solana, Nelly, Los Mayas: historia, arte y cultura, México: Panorama Editorial, 1991.
22. Halbertsma, Early Christian Remains of Inner Mongolia.
23. Harrison, Dick, Gud vill det! - Nordiska korsfarare under medeltid (in Swedish), Ordfront, 2005.
24. Hughes, Philip, "A History of the Church", Sheed & Ward, 1949.
25. "Hypatia", Oxford Dictionaries, Oxford University Press, 2015.
26. Incorporated Grolier Academic American Encyclopedia

27. Jeal, Tim, Livingstone: Revised and Expanded Edition, Yale University Press, 2013.
28. Johnstone, Patrick, Operation World, London: Paternoster, 2001.
29. heffrey, k. padgett, "The Christianization of Slaves in the West Indies", Retrieved 2016-12-08 .
30. Kaegi, W., Byzantium and the Decline of the Roman Empire, Princeton University Press, 2015.
31. Kenneth, Scott Latourette, A history of expansion of Christianity. Vol 2. The thousand years of uncertainty: AD 500-AD 1500, 1938.
32. Kirsch, J., God against the Gods, Viking Compass, 2004.
33. Kleinhenz, C., Medieval Italy: An encyclopedia (Routledge encyclopedias of the middle ages series). Edited by Christopher Kleinhenz, 2nd edition, Routledge, 2004.
34. Lavrentevskaia Letopis, also called the Povest Vremennykh Let, in Polnoe Sobranie Russkikh Letopisey (PSRL),
35. Lovejoy, Paul E., Muslim Encounters With Slavery in Brazil, Markus Wiener Pub., 2007.
36. MacMullen, Ramsay, Christianity & Paganism in the Fourth to Eighth Centuries, Yale University Press, 1997.
37. Boyce, Mary, Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices, Psychology Press, 2001
38. Melton, G., Faiths across time: 5,000 years of Religious History, ABC-CLIO, 2014.
39. Michael, Franz H., The Taiping Rebellion: History and Documents. Seattle: University of Washington Press, 1966.
40. Minahan, J. B., One Europe, many nations: A historical dictionary of European national groups. Westport, CT, United States: Greenwood Press, 2000.
41. Moss, Walter G., "A History of Russia Volume I: To 1917", London: Anthem Press, 2002.
42. Lewis, N. and Reinhold Meyer, Empire, Columbia University Press, 1990.
43. Novgorodskaia tretiaia letopis, 208. On the initial conversion, see Vasilii Tatishchev, Istoriia rossiiskaia, Moscow and Leningrad: AN SSSR, 1962.
44. Pharr, C. et al., Theodosian code and novels, and the Sirmundian constitutions, The Lawbook Exchange, 2001.
45. "Philippines still top Christian country in Asia, 5th in world", Inquirer Global Nation. December 21, 2011. Retrieved 2016-11-16
46. MacMullen, R., Christianizing The Roman Empire A.D.100-400, Yale University Press, 1984.
47. Read, Peter, The Stolen Generations: The Removal of Aboriginal children in New South Wales 1883 to 1969. Department of Aboriginal Affairs, New South Wales government, 1981.
48. Hochhuth, Rolf, A Christian tragedy, Grove Press, 1964.



49. "Rudd says sorry", Dylan Welch, The Sydney Morning Herald 13 February 2008.
50. Russell, S.D., "Christianity in the Philippines". Retrieved 2016-11-16
51. Sainty, Guy Stair, "The Teutonic Order of Holy Mary in Jerusalem", Chivalric Orders, Retrieved 2016-12-18
52. Schmidt, I. F., The Pope and the Baltic Crusade, Brill, 2007.
53. Sharp, Leslie, The Sacrificed Generation: Youth, History, and the Colonized Mind in Madagascar, Berkeley, CA: University of California Press, 2002.
54. Spence, Jonathan, God's Chinese Son, New York: Norton, 1996.
55. Stannard, David, American Holocaust: The Conquest of the New World, U.S.A.
56. "Taiping Rebellion – Britannica Concise", Concise.britannica.com, Retrieved 2013-08-23.
57. Tarocco, Francesca, The Cultural Practices of Modern Chinese Buddhism: Attuning the Dharma London: Routledge, 2007.
58. Taylor, N., Estonia. Bradt Travel Guides. In-text citations, 2014.
59. Thatcher, O.J., The library of original sources: Ideas that have influenced civilization, in the original documents, translated. University Press of the Pacific, 2004.
60. "The Codex Theodosianus On Religion", <http://sourcebooks.fordham.edu>, Retrieved 2016-11-14.
61. "The Taiping Rebellion 1850–1871 Tai Ping Tian Guo", Taipingrebellion.com. Retrieved 2016-08-23.
62. Hugh, Thomas, The Slave Trade: The Story of the Atlantic Slave Trade: 1440-1870.
63. Tatishchev, Vasilii, Istoriia rossiiskaia, A. I. Andreev, et al., eds. Moscow and Leningrad: AN SSSR, 1962.
64. Venning, T., A Chronology of the Crusades. Routledge, 2015.
65. Watson, James L., Asian and African systems of slavery, University of California Press, 1980.
66. "Taiping Rebellion", Wsu.edu. Retrieved 2016-11-17.
67. Zetterberg, S., Main outlines of Finnish history – thisisFINLAND, 2016. Available at: <https://finland.fi> Retrieved 2016-11-14